



یادداشت مدیر مسئول

توسعه‌ی اقتصادی و اسناد ملی

یکی از مباحث جدی هیئت اجرایی شورای جهانی آرشیو در شهر سنت پیترزبورگ در سال ۲۰۰۳ م.، که راقم سطور نیز در آن شرکت داشت، بحث اسناد ملی و توسعه‌ی اقتصادی بود. شاید در نظر اول، یافتن ارتباط جدی بین این دو مقوله، کاری سخت باشد؛ ولی با اندکی کنجکاوی، می‌توان پیوند معنا دار و مستقیمی میان این دو پیدا کرد. کاری که در گزارش مرکز مدارک علمی در سال ۱۳۵۸ که دستمایه و بن مایه‌ی این یادداشت قرار گرفته است، به خوبی منعکس است.

در گذشته، دو عامل مهم تولید یعنی "زمین" و "کار"، در اقتصاد شناخته شده بود. عامل زمین، تمامی منابع طبیعی درخور بهره‌برداری جامعه را نظیر: نفت، گاز، معادن گوناگون، آب، جنگل، مرتع و نظایر آن در بر می‌گیرد؛ و عامل نیروی انسانی "که باید در کنار منابع طبیعی قرار گیرد تا در آنها دخل و تصرف کند و از آنها در جهت رفع نیازهای جامعه استفاده نماید. اما بتدریج، کیفیت نیروی انسانی مورد بررسی بیشتر قرار گرفت و آن نیز، به دو شاخه‌ی نیروی جسمی و نیروی عقلی تقسیم گردید.

در این میان، هر اندازه منابع طبیعی جامعه غنی باشد، باز هم محدود و پایان پذیر است. این محدودیت، البته نیروی فیزیکی انسان را نیز شامل می‌شود. اما نیروی عقلانی و قدرت اندیشه‌ی انسان، عملاً منبعی نامحدود و پایان ناپذیر می‌باشد. زیرا با استفاده از همین نیروست که می‌توان به اکتشاف، اختراع و تولید پرداخت و جوامع انسانی را به سمت وسوی توسعه رهنمون ساخت. همچنان که شنیده یا دیده‌ایم که جوامع پیشرفته‌ی فاقد منابع فراوان اولیه، بالندگی اقتصادی خود را، مدیون دانش و توانائی فکری افراد جامعه‌ی خویش بوده‌اند و سرزمین ژاپن، نمونه‌ی بارز این مدعا است.

در الگوهای رشد اقتصادی - که مبتنی بر افزایش سالیانه‌ی تولید ناخالص ملی بود - عوامل تولید نظیر "کار" و "سرمایه" و ترکیب آنها به نسبت‌هایی معین را، متضمن افزایش سالیانه تولید می‌دانستند. در این موارد، سهم "دانش" و "دانایی" در دوره‌ی مطالعه، ثابت فرض می‌شد و تنها بخش کوچکی از تولیدات ناخالص ملی جامعه، به "دانش" و "دانایی" نسبت داده می‌شد. در حالی که بتدریج این طرز تلقی در نظریه‌های جدید تر اقتصادی، تغییر کرد و به سهم "دانش" و "دانایی" در مجموعه‌ی تولید جامعه، اهمیت بیش تری داده شد. به گونه‌ای که در مواردی، بیش از هفتاد درصد تولید ناخالص جامعه، به سهم دانش و تغییر و تحولات ناشی از آن همچون نوآوری در صنایع، اختراع، بهره‌گیری از ابزارهای ارزان تر تولید و نظایر آن اختصاص یافت.

در حدود سه دهه‌ی پیش، کشورهای فقیر جهان سوم به دلیل بی پولی، خود را عقب مانده می‌نامیدند و معتقد بودند که تنها عامل عقب ماندگی آنها نداشتن پول است. اما کشف چاههای نفت در شماری از این کشورها و سرآزیر شدن پول نفت به خزانه‌ی آنها،

گره‌ی از مشکلاتشان نگشود و امروزه می‌توان به جرئت گفت که کشورهای ثروتمند جهان سوم، همچنان در جنبه‌ی مزمن عقب ماندگی دچار هستند.

پس می‌باید برای توسعه‌ی اقتصادی، به وسائل دیگری متوسل شد و از تجربیات دیگر ملل استفاده کرد. سرمایه‌گذارها و توجیهاتی که کشورهای پیشرفته در زمینه‌ی تحقیقات علمی و فنی به عمل می‌آورند و نیز هزینه‌هایی که در زمینه‌ی ایجاد و گسترش مراکز آرشویی، نظامهای اطلاعاتی و مراکز و بانکهای اطلاعاتی می‌کنند، هیچکدام بی‌دلیل انجام نمی‌گیرد.

امروزه در چین، علاوه بر آرشيو ملی، بیش از ۳۷۵۰ و در روسیه، بیش از ۲۶۶۰ مرکز آرشویی وجود دارد. شاید بادقت بیش‌تر بتوانیم رابطه‌ی مستقیمی بین توسعه‌ی کشورها و توجه آنها به آرشيوها، کتابخانه‌ها و دیگر مراکز علمی، آشکارتر سازیم.

بدیهی است که برای در ماندگیهای ایرانی، می‌باید چاره‌ای اندیشید و صدالبته، آن میزان از تجربیات دیگر ملل را که می‌توان در قالب و نظام "چاره‌جویی ایرانی" جای داد، به کار بست.

طبیعت توسعه، از سویی نیازمند تغییر دائمی سطح دانش است و از دیگر سو، سرعت و افزایش کاربرد دانش و دانایی را در تأسیسات آن جامعه می‌طلبد. نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر اصول ثابت فناوری با ندیده گرفتن تغییراتی که در ساختمان اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی جامعه به وجود می‌آید، قابل اعتماد و استناد نیست. درجه‌ی توسعه‌ی اقتصادی هر کشور، تا حدود زیادی به ترکیب مناسبی از آموزش، فناوری و پژوهشهای علمی آن بستگی دارد که به نوبه‌ی خود، نیازمندی به موتور محرکه‌ای را به نام "اطلاع"، بیشتر می‌کند.

اگر موضوع را از دیدگاه دیگری نگاه کنیم، به این واقعیت پی می‌بریم که اساسی‌ترین عامل تولید در جهان امروز، "اطلاع" می‌باشد. نگاهی سریع به تحولات اقتصادی کشورهای پیشرفته، سه دور آن کاملاً مشخص و تا حدودی متمایز از یکدیگر را نشان می‌دهد: اول تحول کشاورزی، دوم تحول صنعتی و سوم تحول "اطلاعاتی". امروزه حتی مبادله‌ی اطلاع، به مراتب مهم‌تر و مفیدتر از مبادله‌ی کالا و متضمن منافع بسیاری است. امروزه با مفاهیمی نظیر "واسطه‌های اطلاع" یا "دالاهای اطلاع" برمی‌خوریم که کارشان گردآوری داده‌ها و فروش آن به خریداران اطلاع در زمینه‌های علمی، صنعتی، تجاری و غیره است.

آن دسته از کشورهای در حال توسعه - که سریع‌آمسیر بالندگی اقتصادی را طی می‌کنند - شکل جدیدی از توسعه‌ی یافتگی را ارائه می‌دهند که با مسیر و شکل توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته متفاوت است. در این کشورها، تمام فعالیتهای اقتصادی، شتابزده است و رشد پاره‌ای از بخشهای اقتصادی - که منوط به رشد دیگر بخشها است - به علت همین شتابزدگی، نابهنگام شروع شده و نظم و تکامل طبیعی رشد و توسعه را برهم زده است. این کشورها، هم می‌خواهند بیدرتک صنعتی شوند و هم کشاورزی؛ هم در زمینه‌ی خدمات مدیریت از دیگران کم نیاورند، هم روابط بین خود را صلح و صفا دهند و هم موقعیت سیاسی بین‌المللی محترمانه‌ای داشته باشند. باید گفت که خواسته‌های آنها برحق است و زمانه هم این چنین می‌طلبد: اما چگونه؟ پاسخ، روشن است. توجه جدی به اهمیت اطلاع و دانش و دانایی سازمانها و نهادهایی است که بتواند از آنها در جریان توسعه مدد گرفت. وجود اطلاعات مفید و سودمند و در عین حال کافی و بموقع، می‌تواند تا حدودی از فشار این بار گران بکاهد و سهم بازرزی هم در جریان توسعه‌ی اقتصادی کشور داشته باشد.

همانطور که در اقتصاد، مفاهیم اقتصادی وابسته و نزدیک به هم را مانند پول و بانک، یکجا مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در اینجا نیز مفاهیم "اطلاع" و "بانک اطلاعاتی" یا سازمان اطلاعاتی و آرشيو ملی و مراکز اسنادی را نیز باید باهم به کار برد؛ زیرا نقش

واقعی "اطلاع"، به شکل سازمانی و نحوه‌ی کار مراکز گردآوری و نگهداری و اشاعه‌ی اطلاعات مربوط است. اگر مفیدترین و بیش‌ترین اطلاعات را در سازمانی گرد آوریم که فاقد مشخصات کامل مرکز اطلاعاتی است، همانقدر بی‌فایده است که حجم زیادی از پول را بدون داشتن هیچگونه سیاست پولی یا بانکی، وارد اقتصاد کشوری کنیم. همانطور که "اطلاع"، باید از خصائصی برخوردار باشد تا در اصطلاح اهل فن "اطلاع" خوانده شود، سازمانی هم که وظیفه‌ی گردآوری، محافظت، ساماندهی، پردازش، بازیابی و اشاعه‌ی آن را بر عهده دارد، می‌باید دارای مشخصاتی باشد. اگر این سازمان، بتواند اطلاع صحیح، کافی و بموقع در دسترس پژوهندگان قرار دهد، وظیفه‌ی خود را درست انجام داده است.

در مقام مقایسه، در کشورهای نظیر ایران، آرشیو ملی می‌باید نقش مهم‌تری از هم‌تایان خود در جهان بر عهده گیرد و با تأکید بر کمیت و کیفیت بهتر منابع، علاقه به تحقیق و تتبع را افزایش دهد و این قبیل فعالیتها را جهت‌دار و حتی به سوی توسعه اقتصادی کشور هدایت کند.

آرشیو ملی و سایر مراکز اسنادی را، می‌باید از حالت انبار سند خارج کرد و همانطور که واحدهای صنعتی، مواد اولیه را در فرایند آماده‌سازی، به کالاهای قابل مصرف تبدیل می‌کنند، آرشیو ملی هم، باید بتواند "داده‌های" فرآورده‌ی خود را به شکل "اطلاع" عرضه کند. بدیهی است هر آنچه در این فراگرد کوشا تر باشد و برای فرآورده‌هایش، خریداران بیشتری بیابد، موفق‌تر خواهد بود؛ و چه بسا این گله‌مندی تا حدودی درست باشد که در آشناسازی مردم به اهمیت اسناد و به‌طور کلی عرضه و تبلیغ آن، کاستی‌هایی صورت گرفته است!

قطع وابستگیهای اقتصادی، تحولات و تجدید تفکراتی در چارچوب نظامها و بنیادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور موجب می‌شود، نقش اسناد و نهادهای اسنادی در این میان، پروراندن "داده‌ها" و تسهیل در استفاده از آنها به عنوان "اطلاع" است. صنعتگر ایرانی، می‌خواهد بداند از چه موادی برای ساخت قطعات دستگاهی که تا کنون از خارج وارد می‌شده، استفاده کند. می‌خواهد نوع فلز یا ماده اولیه دمخور با آب و هوای ایران را بداند. می‌خواهد بداند چه صنعتی را بهتر است از این پس پیشه کند؛ چرا و چگونه و انبوهی از پرسشهای دیگر. نقش مادر این زمینه، جمع‌آوری کامل‌تر، آماده‌سازی بهتر و عرضه و تبلیغ صحیح‌تر خدمات اطلاعاتی است.

باید اختیار داشتن اطلاعات کافی، صحیح و بموقع و آموختن مهارتهای لازم به نیروی کار، می‌توان پدیده‌ی فکر را به جای عین عامل تولید وارد کرد و با ساختن زمینه‌های مناسب، تولیدات صنعتی یا کشاورزی جامعه را، از این طریق ارزان‌تر تقویت نمود و این کار را جانشین ورود صنعت مونتاز محض کرد. این نوع واردات، باید با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی کشور انجام گیرد. در این صورت، بدیهی است که ترقیبات دیگر جوامع را، می‌توان در عین ارزانی، با شرایط موجود وفق داد و با فرهنگ و اوضاع و احوال ایران سازگار نمود و نتیجه بهینه به دست آورد.

اگر مفاهیم "اسناد"، "اطلاعات" و "خدمات اطلاعاتی" و تأثیر آنها بر توسعه‌ی اقتصادی کشورمان آشکار شود، ضرورت توجه بیش‌تر به "اسناد اقتصادی" و در نهایت "آرشیو ملی" روشن‌تر می‌شود و آنگاه همه، موظف خواهیم شد تا از تخصص و تجربه‌ی خود، به قصد استقلال اقتصادی کشور، در زمینه‌ی گردآوری، تنظیم و توصیف، آماده‌سازی و مرمت و اشاعه‌ی اطلاعات اسنادی، با علاقه‌ی بیش‌تر و عزم راسخ‌تر، تلاش کنیم.

کیانوش کیانی هفت لنگ